

تشریح یعنی چه و نقش تشریح در تمدن سازی الهی چیست؟

مروری بر مفهوم شریعت، هدف و نقش تشریح در تمدن سازی الهی

تصور کنید جامعه‌ای تشکیل شده و اهداف کلانی برای آن ترسیم گردد؛ به عنوان مثال اعلام شود که این جامعه بناست به بالاترین سطح رفاه، تمکن مالی و مزایای مادی در مقیاس جهانی دست یابد. حال اگر هیچ سیستم جامع، مدون و متخصصی، قوانین، اصول و دستورالعمل‌های رسیدن به این غایت را مهندسی نکند و یا روش اجرایی آن را برای آحاد جامعه تبیین ننماید، آیا چنین ساختار رهاشده و بی‌قانونی هرگز به مقصد تعیین شده خواهد رسید؟ بی‌تردید وقوع چنین امری محال است.

خداوند که دانای مطلق و مهندس کل آفرینش است، انسان را برای حیات جاودانه و «سعادت ابدی» خلق کرد و تحقق این حقیقت را در گرو «شباهت وجودی انسان به خداوند» قرار داد. انسان برای رسیدن به این مقام خلیفه‌اللهی و شکوفاسازی اسماء حسناى الهی در ظرف وجود خویش، ناگزیر است در تمام طول حیات دنیایی، تحت تربیت «مربیان معصوم و متخصصان ساختار نفس» قرار گیرد؛ اساتیدی که اشراف کامل بر هندسه روح، ابعاد وجودی و ابدیت انسان دارند.

تجلی این حقیقت عظیم تنها در بستر یک «تمدن الهی» با هدایت و ولایت رهبری معصوم و مصون از خطا رقم می‌خورد؛ تمدنی با افق‌ها و غایات دقیق، ظریف و بنیادین. تمایز بنیادین تمدن سازی الهی با سایر الگوهای تمدنی در این است که کانون و محور اصلی خود را «حقیقت انسان»، طهارت باطن و قدرت یافتن نفس او قرار داده است. غایت تمدن الهی آن است که انسان را از اسارت در ورطه تمایلات صرفاً مادی، ظاهری و بخش حیوانی رها نموده و او را به افق بلند جانشینی خداوند ارتقا دهد.

وصول به چنین جایگاهی بدون ساختاری مهندسی شده و منظومه‌ای دقیق از احکام متناسب با تمام ابعاد ساختار وجودی انسان ناممکن است. اینجاست که ضرورت حیاتی «تشریح» در تمدن سازی الهی آشکار

می‌گردد: خداوند متعال، شریعت را به واسطه انبیای الهی برای بشر مقرر فرمود تا اصول، حدود و قوانین تربیت روح از مسیر «تشریح» (قانون‌گذاری حکیمانه الهی) در جان جامعه جاری شود. اگر در پی شناخت عمیق‌تر مفهوم شریعت، تبیین کارکرد و غایت آن در مهندسی حیات انسان و درک جایگاه راهبردی تشریح در برپایی تمدن الهی هستید، در ادامه با ما همراه باشید.

مفهوم‌شناسی شریعت

«شرع» در لغت به معنای راه آشکار، مستقیم و روشن است؛ تعبیری که در قرآن کریم منحصرأً برای مسیر هدایت الهی به کار رفته است. واژه شریعت در کاربردهای لغوی معانی دیگری چون سردر ورودی، آستانه و همچنین آبشخوری هموار دارد که بدون نیاز به ریسمان و ابزار می‌توان از گوارایی آن سیراب شد.

در نگاه تخصصی، شریعت دارای دو ساحت و کاربرد «عام» و «خاص» است:

معنای عام شریعت: مترادف با کل پیکره «دین» است؛ مانند اطلاق شریعت اسلام، شریعت یهود یا شریعت مسیح، به معنای مجموعه آنچه انبیا بشر را به سوی آن فراخوانده و هدایت کرده‌اند.

معنای خاص شریعت: معنایی دقیق‌تر، تخصصی‌تر و انضمامی‌تر است و به منظومه احکام تکلیفی، مناسک، آداب و مقرراتی اطلاق می‌شود که خداوند از مسیر رسولانش برای تدبیر حیات بندگان تشریح فرموده است. از آنجا که التزام و انطباق با این فرامین الهی، سرچشمه حیات حقیقی، طهارت روح و بالندگی ابدی انسان است، آن را شریعت (سرچشمه حیات‌بخش) نامیده‌اند.

شریعت هر پیامبر اولوالعزم، با بعثت پیامبر صاحب‌شریعت پس از خود نسخ می‌شد و همگان مکلف به تبعیت از نسخه تشریعی جدید بودند؛ به گونه‌ای که توقف بر شریعت پیشین با وجود نزول شریعت کامل‌تر، فاقد حجیت و غیرقابل قبول است.

بسیاری میان دو واژه «دین» و «شریعت» تفکیک قائل نمی‌شوند؛ در حالی که تمایز بنیادینی میان آنها وجود دارد:

★ **دین:** صراط واحد الهی، قانون عام و حقیقت ثابتی است که برای تمام امت‌ها در امتداد تاریخ جریان داشته و هرگز دستخوش نسخ و تحول نمی‌گردد. دین در تمام هستی یگانه است^۱ و همان حقیقت تسلیم در برابر پروردگار است.

★ **شریعت:** فروع، احکام تفصیلی و نسخه‌های اجرایی مبتنی بر آن اصول بنیادین دین هستند که متناسب با تحول شرایط زمانی، مکانی، بلوغ فکری و ظرفیت‌های تاریخی اقوام تغییر یافته‌اند. بر این اساس، شرایع متعددی چون شریعت حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و شریعت خاتم پیامبران، حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بستر تاریخ تشریع گردیده‌اند.

حقیقت تشریع و نظام قانون‌گذاری الهی «تشریع» در ریشه لغوی به معنای بالا بردن و رفعت بخشیدن به یک شیء است؛ چنان‌که بالا آمدن سطح آب یک نهر برای دسترسی و استفاده آسان موجودات را تشریع می‌نامیدند. اما در اصطلاح دینی و معرفتی، تشریع عبارت است از فرایند قانون‌گذاری و تبیین احکام و مقررات الهی توسط خداوند و انتخاب شدگان از طرف او. به بیانی روشن‌تر، تشریع یعنی تبدیل حقایق و اصول کلی دین به احکام، خطوط و برنامه‌های عملیاتی و اجرایی در زیست انسانی.

مبدأ نخستین و انحصاری تشریع، ذات اقدس الهی است که حقایق و احکام را از بستر وحی بر انبیا نازل فرموده است. پس از خداوند، انبیا و اوصیای الهی کلیدی‌ترین نقش را ایفا می‌کنند؛ زیرا وظیفه دریافت، ابلاغ، شرح و تبیین معصومانه این هندسه رفتاری بر دوش آنان نهاده شده است.

^۱ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۹

فرایند تشریح در دو بستر تحقق می‌یابد:

بیان مستقیم در متن وحی (قرآن کریم): مانند تصریح به احکامی چون حرمت ربا و خمر.

تبیین در سیره و سنت معصوم (علیه السلام): که در آن جزئیات، کیفیت و فروع احکام بیان می‌گردد.

بشر برای سلوک بدون انحراف، نیازمند نظام تشریح است؛ زیرا عقل جزئی به‌تنهایی قادر به استخراج نقشه دقیق سعادت نیست. به عنوان نمونه، اصل فریضه نماز در قرآن واجب شده، اما هندسه تفصیلی و کیفیت اقامه آن از طریق تشریح نبوی و بیانات اهل بیت (علیهم السلام) واصل شده است. بنابراین، شریعت مشتمل بر «اصل تشریح حکم» و «تفصیل اجرایی آن» است که مکمل یکدیگرند.

در ساحت حیات جمعی، تشریح عبارت است از پی‌ریزی ساختارهای قانونی و حقوقی (نظیر تکالیف مالی چون خمس و زکات، اقامه عدل، حقوق متقابل فرد و جامعه و نظام حاکمیت) در جهت تحقق جامعه توحیدی. نظام تشریح با تنیدن احکام الهی در تاروپود مناسبات اجتماعی، هویت توحیدی جامعه را مستحکم می‌سازد و چونان نقشه راهی جامع، حرکت از مبانی ایمانی به سوی کمال غایی و شباهت به حق را ممکن می‌کند.

کارکرد و غایت شریعت در مهندسی وجود انسان

برای فهم جایگاه تشریح در تمدن‌سازی، بازخوانی نسبت خودمان با احکام شریعت ضروری است. اصطکاک‌ها، پرسش‌ها و گره‌های ذهنی برخی انسان‌ها با تکالیف دینی ناشی از آن است که شریعت را با سنجه‌های «من مادی و اعتباری» قضاوت می‌کنند؛ حال آنکه احکام شریعت، نسخه‌ای حکیمانه برای تربیت و شکوفایی «من حقیقی و فوق‌عقلانی» انسان است؛ همان ساحت لاهوتی و اصیلی که اگر مدار حیات قرار گیرد، تمام شئون دنیا و آخرت انسان را در تعادل محض تنظیم خواهد نمود.

علت بنیادین اضطراب‌ها، بحران‌های روحی و بن‌بست‌های انسان معاصر، «بهم‌خوردن تعادل وجودی» و سوءتغذیه در ابعاد نفس است. ساختار وجودی انسان متشکل از لایه‌های جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلی و انسانی (فوق‌عقلانی) است. افراط و تفریط در ارضای لایه‌های پایینی و تمرکز صرف بر خواہش‌های حیوانی یا گیاهی، ساختار روانی فرد را دچار ناترازی و بیماری می‌کند؛ وضعیتی که در آن بخش‌های مادی رشد نامتوازن یافته و ساحت الهی روح، راکد و محروم می‌ماند.

در این میان، تنها وجودی صلاحیت دارد خطوط هدایت، حدود رفتار و احکام تربیتی نفس را تعیین کند که خود «خالق و مهندس ساختار وجودی انسان» است؛ او که بر جزئیات، نیازهای ذاتی، عوامل فلاح و اسباب انحطاط روح اشراف تام دارد.

احکام شریعت، انطباق کاملی با «فطرت توحیدی» دارند. هرگاه پذیرش یا اجرای حکمی بر انسان دشوار آید، نشانه غلبه خواہش‌های لایه‌های پایینی و من توهمی بر ساحت فطرت است. شریعت، لایه‌های نباتی، حیوانی و عقلی را نفی نمی‌کند، بلکه جایگاه آن‌ها را در حد «ابزاری خادم برای رشد من حقیقی» بازتعریف می‌نماید. نظام حلال، حرام، مستحب و مکروه، دقیقاً سامانه‌ای است برای تنظیم و مهار این ابعاد تا انرژی وجودی انسان صرف شکوفایی بُعد الهی او شود.

این مهندسی دقیق و نقطه‌زن، انسان را به تعادل، آرامش و طمأنینه می‌رساند و او را آماده پذیرش نقش‌های تمدنی می‌نماید.

تشریع، زیربنای اخلاقی، حقوقی و هویتی لازم برای تحقق «تمدن الهی و دولت کریمه» را فراهم می‌سازد. نظام تشریعی نه تنها متکفل توحید و طهارت فردی است؛ بلکه روح اخوت، ایثار، عدالت‌خواهی و توحید جمعی را در کالبد جامعه می‌دمد. احکام تشریعی، جامعه را از سطوح نازل مادی‌گرایی، اصالت لذت حیوانی و کبر علمی آزاد ساخته و در مدار توسعه انسانی و پیشرفت حقیقی قرار می‌دهد.

جامعه و تمدن در نگاه انسان‌شناسانه، به سان رحمی برای تربیت انسان جهت ورود سالم به ابدیت است. تمدنی که فاقد مرزها و احکام تنظیم‌کننده الهی باشد و بر مبنای هوای نفس و قوانین خودساخته بشری

اداره شود، هرگز امکان بلوغ معنوی و سعادت جاودان را برای آحاد خود فراهم نخواهد کرد؛ از این رو،

پایه‌ریزی هرگونه تمدن حقیقی و الهی، وام‌دار و وابسته به «نظام جامع تشریع الهی» است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer